



از شرق تا غرب

جاده ابریشم

نوشته مایونگ

در سال ۱۹۷۱ باستان‌شناسان چینی در ماوانگدوی در نزدیکی چانگشا در استان هونان سه قبر کشف کردند که یکی از آنها هنوز سالم بود و مقدار زیادی آثار گرانبها متعلق به بیش از دو هزار سال پیش داشت. این آثار عبارت بودند از جامه‌ها و پوششهای ابریشمی و تعدادی سند که بر پامبو و ابریشم حک شده بود. باستان‌شناسان معتقدند که این قبرها متعلق به یک نجیب‌زاده بلند پایه به نام دا، و همسر و پسرش بوده است که در سالهای اولیه فرمانروایی خاندان هان غربی (۴۰۴ پیش از میلاد تا حدود سده نهم میلادی) می‌زیست‌اند. در سمت چپ تکه‌ای از نسخه حک شده بر ابریشم از کتاب تاوتو چینگ (کتاب طرق و قدرت آن) مشاهده می‌شود که از کتابهای مقدس مذهب تاوتو است. تصویر بالا، جامه توری ابریشمی را نشان می‌دهد که ۱/۴۸ متر قد دارد.

بی‌گمان در آن زمان این صنعت درجین رونق فوق‌العاده‌ای داشته است و کرانه غرب در حدود ششصد تا پانصد سال پیش از میلاد با محصولات گرانبهای آن آشنا نمی‌شد. البته ما اطلاع چندانی از چگونگی انتقال این آشنایی نداریم.

در آغاز عصری که به نام «بهار و خزان» شهرت دارد، یعنی از ۷۷۰ تا ۴۷۶ پیش از میلاد، سلسله‌های چین و کین که بر جنوب و مرکز استان شنسی و جنوب شرقی کانسو حکومت می‌کردند، نفوذ خود را تا منطقه چادر-نشینان شمال غربی گسترش دادند و بنابراین با سکنة مقیم خم بزرگ و نیز کناره باختری هوانگ‌هو (رود زرد) ارتباط یافتند. احتمالاً نخستین خاستگاه صدور ابریشم به غرب در همین‌جاست. بی‌گمان در آن زمان میان مناطق داخلی چین و مناطق مرکزی آسیا تجارتی مستقیم وجود نداشت، اما بعید نیست که ابریشم در کوله‌بار قبایل چادرنشینان مانند قبیله‌های خیایون یا یرمه-چی به اروپا راز آید. به وسیله سکاها به اروپا رفته باشد.

در اتحاد شوروی، در آلتای، ابریشمهای چینی به دست آمده که در سده پنجم پیش از میلاد در زیر سنگ گوری جای داده شده بود. در میان این پارچه‌ها که در کنار آینه‌های برنزی - و ساخت چین - قرار داشت، نم‌دین زیبایی با تذهیبی از سیم‌رخ به چشم می‌خورد. در یونان، آلمان و لوکزامبورگ نیز پارچه‌های

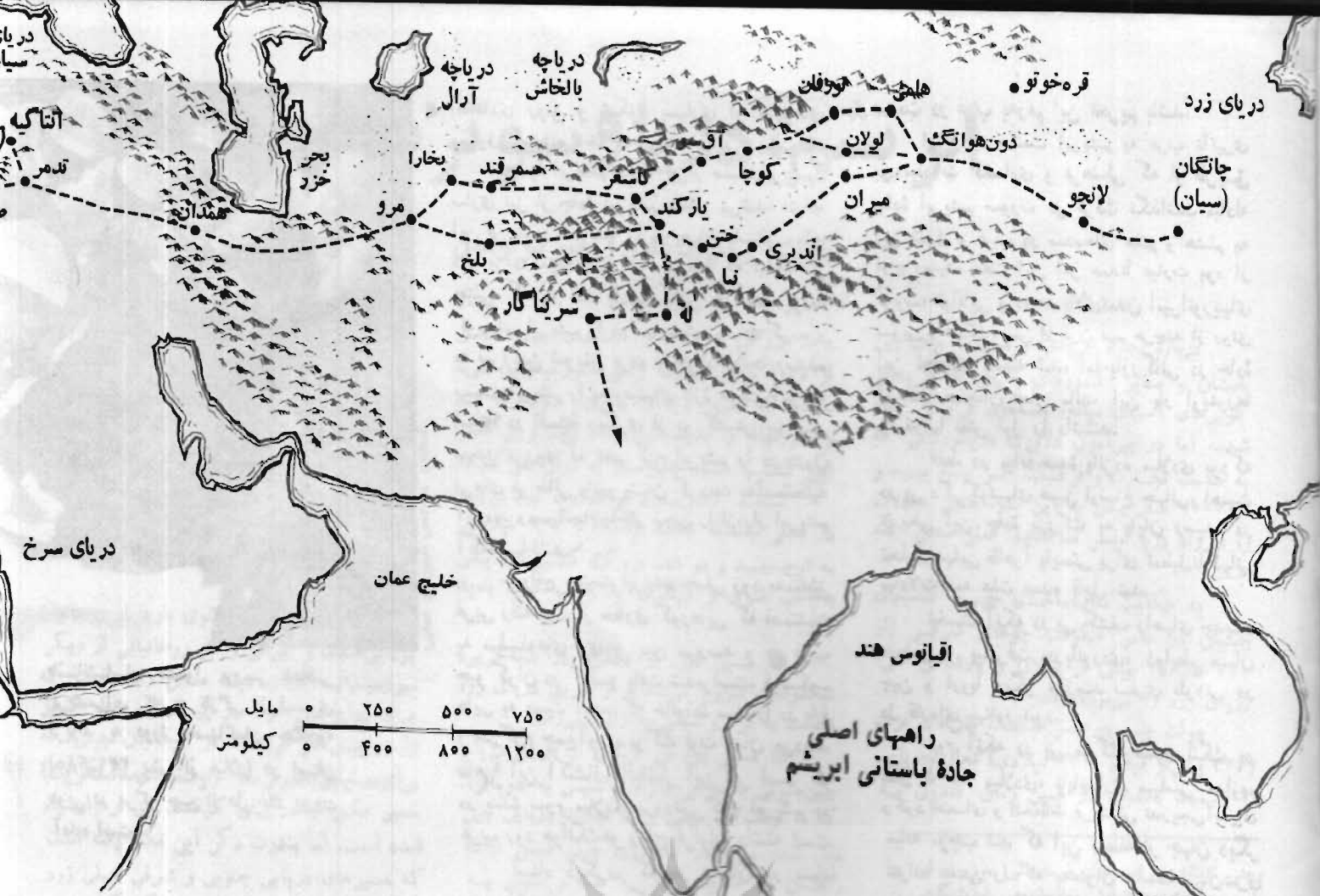
به حکایت یافته‌های باستان‌شناختی، قدیمی‌ترین پارچه شناخته شده عالم در منطقه دریایچه تای یافت شده است که صنعت ابریشم آن از دیرباز شهرت دارد. در سال ۱۹۵۸ باستان‌شناسان در هنگام حفاری در منطقه کیان-شان یانگ در بخش ووخینگ از استان زجیانگ، در میان دیگر آثار فرهنگی عصر نوسنگی، بسته‌ای ابریشم‌بافت را از دل خاک درآوردند که چند تکه پارچه، نخ و کمر بند ابریشمی را در خود داشت.

آزمایشهای مقدماتی نشان داد که ماده اولیه پارچه‌ها از کرم پرورشی است، فضا را پیش از رشتن کلاف کرده‌اند، نخها یکدست و با تار و پودی به پهنای تقریباً مساوی رفته شده‌اند و میانگین چگالی پارچه ۴۷ تار در سانتی‌متر است. با اندازه‌گیریهای زمانی، قدمت این بافته را ۲۷۵۰ سال با تقریب صد سال دانسته‌اند. با توجه به سطح فنون به کار گرفته شده، معلوم می‌شود که صنعت ریسندگی در آن زمان از مرحله اولیه خود پیشرفته‌تر بوده و در نتیجه با اطمینان می‌توان فرض کرد که صنعت ابریشم در چین، بیش از پنج هزار سال قدمت دارد.

مایونگ: رئیس بخش مناسبات خارجی چین باستان در پژوهشکده تاریخ آکادمی علوم اجتماعی چین است. او معاون انجمن چینی بررسیهای آسیای میانه، و متخصص تاریخ منطقه سینکیانگ چین و مؤلف بازمانده‌های تاریخی منطقه سینکیانگ (۱۹۷۸) و نیز بررسیهای متعدد پیرامون تاریخ و باستان‌شناسی سینکیانگ است. مایونگ عضو شورای بین‌المللی ویراستاران تاریخ تمدن آسیای میانه (که یونسکو چاپ می‌کند) و یکی از ویراستاران جلد سوم این تاریخ است.

ابریشمی و نخهایی منگوله‌وار از ابریشم در گورهای متعلق به سده‌های ششم و پنجم پیش از میلاد یافت شده است. از این یافته‌ها چنین برمی‌آید که قدیمی‌ترین جاده ابریشم از خم بزرگ هوانگ‌هو آغاز می‌شده و پس از عبور از شرق و شمال آلتای و سپس از استپهای کازاخستان، جنوب روسیه و ساحل شمالی دریای سیاه به سرزمینهای تحت سلطه یونانیان و اتروسک‌ها و شمال کوه‌های آلپ می‌رسیده است.

اما هرچند مقداری ابریشم بدین سان از این مناطق می‌گذشت و از چین به اروپا می‌رفت، نمی‌توان گفت که در آن زمان جاده‌ای تجارتی به مفهوم دقیق کلمه وجود داشت. زیرا یونانیان که نسبت به این محصول تجملی و عجیب کنجکاو شده بودند بسختی می‌توانستند از سرزمین دوردست خاوری که تولیدکننده آن



راههای اصلی
جاده باستانی ابریشم

جاده‌ها روندی مدارم یافت در حالی که از دیگر سو، انبوه محصولات از باختر و مرکز آسیا به قلب چین سرآزیر می‌شد.

بی‌گمان در آغاز کار، این تجارت یا دست‌کم بخشی از آن را مأموران سیاسی چین و سرزمینهای مرکز آسیا انجام می‌دادند. اما طولی نکشید که تجارت به دست بازرگان سفد و کوشان و پارت افتاد، کسانی که در سالنامه‌های چینی از آنها به عنوان «بازرگانان هو» یعنی «بیکانگان» یا «غیرهان» یاد شده است. نقاشیهای آن زمان حالت خاص چهره ایشان را ضبط کرده است: چشمهای فرورفته، دماغهای بزرگ، ریشهای انبوه. می‌دانیم که این بازرگانان به انواع گویشهای ایرانی سخن می‌گفتند. این تجار کاروانهای بزرگی از شتر راه می‌انداختند که بارشان عطر و جواهر و بلورجات بود. کاروانها از شیبهای پربرف پامیر بالا می‌رفتند، از واحه‌های حوضه رود تاریم عبور می‌کردند، از گذرگاههای کرانه شرقی رود زرد و سپس از گردنه‌های کوه لونک می‌گذشتند و سرانجام به چانگان (سیان امروز) یا لویانگ می‌رسیدند.

بازرگانان مذکور در مقصد، محموله‌های ابریشمی را که می‌خواستند پس از بازگشت در باخترزمین بفروشد جمع می‌کردند و این مسافرتی بود که رفت و برگشت آن یک سال و گاه حتی دو سال طول می‌کشید. مسیر امن نبود، خطر بسیار داشت و بازرگانی که این سفر را در پیش می‌گرفت جانش را به مخاطره می‌انداخت، اما در مقابل سود آن فراوان بود و صادرات ابریشم به شهرهای روم و بعدها به امپراتوری بیزانس درآمدی کلان به همراه می‌آورد. همین درآمدهای تجارتی شالوده‌های

بود تصویری داشته باشند و لذا چین را سرزمین ابریشم می‌نامیدند و این نامی بود که تا عصر رومیان پابرجا ماند.

بعید نیست که ابریشم در همان زمان به هند آمده باشد. در کتاب آرناسامترا (راهنمای پادشاهان) که گوتیلیا کاتب هندی، در سده چهارم پیش از میلاد نگاشته است، با کلمه سینا یا تانیا «ابریشم چینی» دوبرو می‌شویم. علاوه بر این واژگان سانسکریت نمایانگر این است که هندیان باستان می‌دانستند که ابریشم، ترشحات نوعی حشره است.

اما بازگشایی جاده حقیقی ابریشم در نیمه سده دوم پیش از میلاد را باید به ورامپراتور سلسله هان و به ژانگ کیان سردار او نسبت داد. او که می‌خواست یوئه - چی‌های بزرگ مرکز آسیا را علیه قبایل خیون‌کنو (هون‌ها) با خود متحد کند، ژانگ کیان را به سفارت به دیارهای باخترزمین فرستاد. ژانگ کیان در سال ۱۳۹ پیش از میلاد به راه افتاد و ده سال بعد، با رسیدن به شمال افغانستان کنونی، برای نخستین بار در تاریخ خط ارتباطی مستقیمی میان قلب چین و بطن آسیا پدید آورد. بعدها سلسله هان درصدد برآمد که با برکمردن مقادیر کلانی نیروی انسانی و منابع مادی در مناطق باختری چین، از این مناطق بهره‌برداری منظم کند. اگر قدرت نظامی و کارایی اداری سلسله هان نبود، هرگز نمی‌شد در حاشیه‌های شمالی و جنوبی کویر تا کلاماگان، آن جاده بزرگ و پر کاروانسرای را ایجاد کرد که هان‌ها تا به آن سوی پامیر نیز کشیدند و به راههایی متصل کردند که آن زمان در مرکز، غرب و جنوب آسیا وجود داشت، از آن پس، ارسال ابریشم چین به غرب از این



اقتصادی رونق و شکوه بسیاری از شهرهای معروف آسیای باختری و میانه را پی ریخت. نه تنها ابریشم بلکه ابزار صنعت ابریشم سازی نیز از جاده ابریشم منتقل می شد. اشاعه این فن بسی افسانه ها را در جهان باستان رواج داد، برای نمونه چنین گفته می شد که شاهدختی چینی که به عقد پادشاه ختن در آمده بوده، گرمای ابریشم را در سر بندش پنهان کرده و به سرزمین شویش برده و چون بدانجا رسیده صنعت ابریشم را به رعیت های تازه خویش آموخته است. در افسانه دیگری از دو کشیش بیزانسی سخن می رود که تخم کرم ابریشم را در درون نی های تو خالی بامبو پنهان کردند، به قسطنطنیه آوردند و سرانجام باختر زمین را از راز ابریشم آگاه ساختند.

درواقع صنعت ابریشم خیلی زود به مناطق غربی رفته بود. از حفاری گورهایی که قدمتشان به سلسله های وی و بین می رسد و در غرب جیو کوان در گانسو یافت شده است، فرسکو هایی به دست آمده که خانواده میت را در باغ و سرگرم جمع آوری برگ توت نشان می دهد. ظاهراً این اکتشاف اثباتگر این امر است که در سده سوم میلادی پرورش کرم ابریشم در غرب رود هوانگ هو رواج فراوان داشته است. اسناد دیگری که در تورفان در منطقه خودمختار اویغور سین کیانگ به دست آمده است نشان می دهد که مناطق کوکو (تورفان امروز) و کوچا در سده پنجم میلادی صنعت ابریشم داشته اند و حتی پارچه های ابریشمی زربفت نیز تولید می کرده اند.

در سده ششم، آسیای میانه و ایران با ابریشم بافی آشنا شده بودند و ساسانیان کوشیدند انحصار ابریشم را در دست گرفته، مانع از اشاعه این فن در باختر زمین شوند. شاید افسانه کشیشهای بیزانسی یرواکی از رواج این



Photo © China Features, Beijing

باستانشناسان مشغول بررسی لعافسی ابریشمی اند که به تازگی از قبوری مربوط به دوره «ساکمان جنگجو» (۴۸۵-۴۴۱ پیش از میلاد) در استان هو بی در مرکز چین از دل خاک بیرون آمده است.

تورفان در منطقه خودمختار اویغور سینکیانگ چین، در واحه ای حاصلخیز واقع شده است و همواره مرکز تجاری مهمی بوده است. تورفان در مرز سنتی میان مردمان چادرنشین شمال و واحه نشینان ساکن سینکیانگ قرار داشته و منزلتگاهی بس مهم در شاخه شمالی جاده ابریشم بوده است. در پایین، تصویر مسجد امین در تورفان را می بینید که در سال ۱۷۷۹ میلادی ساخته شده است.

صنعت در غرب به رغم این تحریم باشد. اما ورود صنعت ابریشم به غرب تأثیری بر مبادلات اقتصادی و فرهنگی که از طریق جاده ابریشم صورت می گرفت نگذاشت. مبادله بین شرق و غرب در سده های هفتم و هشتم به اوج رسید، علت این امر عمدتاً عبارت بود از ثروت، توانایی و درجه بالای تمدن امپراتوریهای سویی و تانگ. پس از قرن نهم هر چند از رونق این تجارت کاسته شد، اما بازرگانی در جاده ابریشم همچنان فعال ماند. این بار اویغورها و مغولها نقش اول را داشتند.

فقط در میانه سده پانزده میلادی بود که در پی دگرگونیهای عمیق اوضاع جهانی، اهمیت تاریخی این جاده بزرگ به پایان رسید. در تحلیل نهایی ظاهراً بایستی برای تعطیل ناگهانی مبادلات سه علت عمده قایل شد.

نخست آنکه در پی کشف راههای جدید دریایی و پیشرفت دریانوردی، روابط میان چین و اروپا دیگر نیازمند سفری طولانی در دل قاره ای پهناور نبود.

دوم آنکه در پی مرگ تیمور لنگ در سال ۱۴۰۵ میلادی، ناپایداری سیاسی مداوم، رکود اقتصادی و انحطاط فرهنگی تدریجی آسیای میانه موجب شد که این منطقه از جهان دیگر نتواند نقشی را که به عنوان واسطه میان شرق و غرب داشت، ایفا کند. سرانجام اینکه در پی تصمیمی سیاسی که در سال ۱۴۲۴ توسط امپراتور یونگک از خاندان مینگ اتخاذ شد، مرزهای شمال غربی چین بسته شد. البته روابط اقتصادی و فرهنگی با برخاز کشورهای آسیای میانه در غرب پامیر ادامه یافت و حتی با روی کار آمدن سلسله کینگ هرچه تنگاتنگتر شد و گسترشی پیدا کرد که در زمان سلسله های هان و تانگ نداشت. اما این روابط، صرفاً

بقیه در صفحه ۴۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

Photo © P. Colombel, Paris

